

مطالعه تطبیقی جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه

مهدی حسنزاده*

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۳

دریافت: ۹۰/۸/۲۵

چکیده

جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران در ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. و در حقوق فرانسه در ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. بیان شده‌اند. بخش قابل توجهی از جهات، شامل حيله و تقلب، جعلی بودن سند مبنای حکم و دستیابی به سند مکتوم در دادرسی، بین حقوق ایران و فرانسه مشترک است؛ اما صرفاً در حقوق ایران به موجب بندهای ۱ تا ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. و ماده ۲۳۷ آن قانون، صدور حکم به غیر از موضوع دعوا یا به بیش‌تر از آن، تضاد در مفاد حکم، احکام متضاد و اثبات اصالت سند از جهات اعاده دادرسی شناخته شده‌اند. در مقابل، شهادت و سوگند دروغ فقط در حقوق فرانسه از جهات اعاده دادرسی اعلام شده‌اند.

واژگان کلیدی: اعاده دادرسی، جهت اعاده دادرسی، نقض حکم، حيله و تقلب، سند جعلی، سند مکتوم

۱. مقدمه

اعاده دادرسی از طرق فوق‌العاده شکایت از احکام است که برخلاف حاکمیت امر مختوم و قاعده فراغ دادرس، سبب می‌شود دادگاهی که حکم قطعی صادر کرده، مجدداً به بررسی موضوع و صدور رأی بپردازد. این طریق شکایت برای مواردی است که به دلایلی، واقعیت موضوع دعوا بر دادگاه معلوم نشده و دادگاه در درک واقعیت موضوع دعوا دچار اشتباه شده و براساس درک غیرواقعی از دعوا اقدام به صدور حکم کرده و با آشکار شدن واقعیت، پس از صدور حکم، غیرواقعی و غیرعادلانه بودن تصمیم دادگاه نمایان شده است. به عبارت دیگر، قاضی تحت تأثیر اشتباه ناشی از منشأ داخلی و شخصی یا خارجی و از

طرف افراد دیگر، حکم صادر کرده است [۱، ص ۲۶۳]. در چنین شرایطی، قانون به دادگاه صادرکننده حکم اجازه داده است با رسیدگی مجدد و در نظر گرفتن واقعیت کشف شده موضوع دعوا، از حکم قبلی عدول و رأی مقتضی جدید صادر کند.

بنابراین، معلوم است که موارد اعاده دادرسی باید محدود باشد و در این زمینه لازم است سختگیرانه و مضیق عمل شود [۲، ص ۲۷۹].

ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. اعاده دادرسی را اولاً منحصر به احکام قطعی کرده و ثانیاً جهات آن را منحصرأ در ۷ بند بیان کرده است.

برخلاف این که برخی از حقوقدانان از اختصاص اعاده دادرسی به احکام انتقاد کرده‌اند [۱، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ ۳، ص ۲] به نظر می‌رسد از این جهت، ایرادی بر بیان قانونگذار وارد نیست؛ زیرا قرارهای نهایی، جز در مورد قرار سقوط دعوا، از اعتبار امر مختوم برخوردار نیستند و مانع اقامه مجدد دعوا نمی‌شوند. درخصوص قرار سقوط دعوا نیز با توجه به این که این قرار به موجب بند «ج» ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م. و در جایی که خواهان بکلی از دعوای خود صرفنظر می‌کند، صادر می‌شود، مسأله اعاده دادرسی نمی‌تواند مصداق پیدا کند.

برخی از حقوقدانان، جهات اعاده دادرسی را مقید به غیرعمدی بودن اشتباه قاضی دانسته و اعاده دادرسی در موارد عمد قاضی را امکانپذیر ندانسته‌اند [۴، ص ۱۶۳-۱۶۴]. چنین قیدی با علت پیش‌بینی و نقش اعاده دادرسی سازگار است و از بندهای ۵ تا ۷ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. فهمیده می‌شود و در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که دادگاه صادرکننده حکم قطعی با کشف حقیقت پس از صدور حکم و رفع اشتباه، با رسیدگی مجدد، حکم مقتضی جدید صادر کند. با وجود این، همان‌طور که برخی از حقوقدانان اعلام کرده‌اند [۱، ص ۲۶۵] به نظر می‌رسد با توجه به عدم تصریح قانونگذار به اشتباه و سهو قاضی، در موارد وجود جهات اعاده دادرسی، این طریق قابل توسل است؛ اعم از این که قاضی عمداً یا از روی سهو و اشتباه حکم صادر کرده باشد.

در حقوق فرانسه، جهات اعاده دادرسی در ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید در چهار بند بیان شده‌اند. این جهات بسیار مضیق و محدود [۵، ص ۸۸۴] و مبتنی بر کشف واقعیتی هستند که در حین رسیدگی بر دادگاه پوشیده بوده و سبب اتخاذ تصمیم ناصحیح دادگاه شده‌اند. نویسندگان نیز در معرفی اعاده دادرسی، این مطلب را مورد توجه قرار داده و همین مبنا را در مورد اعاده دادرسی مورد تأکید قرار داده‌اند [۵، ص ۸۰۱ و ۸۸۴؛ ۶، ص ۵۰۴ و ۵۶۱]. لازم به تذکر است در قانون سابق آ.د.م. فرانسه (مصوب ۱۸۰۶) موارد اعاده دادرسی در ماده ۴۸۰ در ده بند بیان شده بودند

که نسبت به آنچه در ماده ۵۹۵ قانون جدید آمده، بسیار گسترده‌تر است. در حقوق فرانسه، اعاده دادرسی در مورد آرای پذیرفته می‌شود که از اعتبار امر مختوم برخوردار باشند؛ یعنی قابل شکایت به طریقی که اجرای رأی را به تأخیر می‌اندازد نباشند [۵، ص ۸۸۳؛ ۷، ص ۵۰۳؛ ۸، ص ۴۹۳].

بنابراین، برخلاف حقوق ایران که در آن، اعاده دادرسی مختص به احکام است، در حقوق فرانسه، براساس ماده ۵۹۳ ق.آ.د.م. اعاده دادرسی، اختصاص به احکام ندارد و قرارهای دارای اعتبار امر مختوم را نیز شامل می‌شود.

به موجب ذیل ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید فرانسه، اعاده دادرسی در صورتی به استناد جهات آن پذیرفته می‌شود که درخواست‌کننده نتوانسته باشد بدون تقصیری از جانب خود، و پیش از آن که رأی از اعتبار امر مختوم برخوردار شود، به این جهات استناد کند.

در این مقاله تلاش می‌شود جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران با جهات اعاده دادرسی در حقوق فرانسه مقایسه گردیده، بررسی شود که در این زمینه، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین حقوق دو کشور وجود دارد و وضعیت حقوق کشور ما در مقایسه با حقوق کشور فرانسه چگونه است؟

با مقایسه جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران (ماه ۴۲۶ ق.آ.د.م.) با جهات اعاده دادرسی در حقوق کنونی فرانسه (ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید فرانسه) معلوم می‌شود تعدادی از جهات، بین هر دو حقوق، مشترک هستند؛ اما در مقابل، تعداد قابل توجهی از جهات فقط در حقوق ایران موجب اعاده دادرسی می‌شوند.

بنابراین، مطالب مربوط در دو بخش ارائه می‌شوند: در قسمت اول، مواردی از جهات اعاده دادرسی که در حقوق دو کشور مشترکند، بیان می‌شوند و در قسمت دوم، مواردی که مختص به حقوق یکی از دو کشور است و عمدتاً شامل موارد مختص به حقوق ایران است، بررسی خواهند شد.

۲. جهات مشترک

حیله و تقلب، کشف جعلی بودن سند مبنای حکم، و کشف سند مکتوم، هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه از جهات اعاده دادرسی هستند.

۲-۱. حيله و تقلب

به موجب بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. حيله و تقلبی که طرف مقابل درخواست‌کننده اعاده دادرسی به کار برده و در حکم دادگاه مؤثر بوده، از جهات اعاده دادرسی است. براساس این بند، لازم است اولاً حيله و تقلبی به کار رفته باشد، یعنی اقدامی فریبکارانه به قصد به اشتباه انداختن دادگاه انجام شده باشد و ثانیاً حيله و تقلب توسط کسی به کار رفته باشد که از اصحاب دعوا بوده و حکم به نفع او صادر شده است. در نتیجه، طرف مقابل، درخواست‌کننده اعاده دادرسی است و اعاده دادرسی به طرفیت او درخواست می‌شود. از این رو، در صورتی که حيله و تقلبی به کار نرفته، بلکه خود دادگاه دچار اشتباه شده یا حيله و تقلب توسط شخصی غیر از اصحاب دعوا انجام شده باشد، درخواست اعاده دادرسی به این جهت ممکن نیست.

نکته دیگر، لزوم تأثیر حيله و تقلب در حکم دادگاه است. مؤثر بودن حيله و تقلب در حکم دادگاه به معنای این است که صدور چنین حکمی نتیجه حيله و تقلب مذکور بوده، به نحوی که اگر حيله و تقلب نبود، چنین حکمی صادر نمی‌شد. اگر با وجود حيله و تقلب اصحاب دعوا، حکم دادگاه تحت تأثیر آن قرار نگیرد، به نحوی که بدون حيله و تقلب نیز همان حکم صادر می‌شد، چنین حيله و تقلبی سبب نقض حکم در اعاده دادرسی نمی‌شود.

لازم است حيله و تقلب پس از صدور حکم قطعی، آشکار شود؛ زیرا در صورت نمایان شدن حيله و تقلب، قبل از صدور حکم قطعی، مسأله تأثیر آن در حکم منتفی است. بنابراین، اگرچه در بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. قیدی مبنی بر لزوم آشکار شدن حيله و تقلب پس از صدور حکم نیامده، چنین قیدی از لزوم مؤثر بودن حيله و تقلب در حکم دادگاه فهمیده می‌شود. وانگهی به موجب ماده ۴۲۹ ق.آ.د.م. حيله و تقلب باید با حکم نهایی به اثبات رسیده باشد و مهلت اعاده دادرسی به این جهت، از تاریخ ابلاغ حکم نهایی اثبات حيله و تقلب است.

جهت تقلب^۱ در بند ۱ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید فرانسه بیان شده است. به موجب این بند، یکی از جهات اعاده دادرسی این است که پس از صدور رأی معلوم شود که تصمیم دادگاه تحت تأثیر تقلب کسی بوده که رأی به نفع او صادر شده است.

با مقایسه این بند و بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. ایران مشخص می‌شود که شرایط این دو بند در خصوص تقلب، تقریباً مشابه است؛ زیرا براساس بند ۱ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید فرانسه نیز لازم است اولاً تقلب یا همان عملیات فریبکارانه به قصد به اشتباه انداختن دادگاه صورت گرفته باشد، مثل این که شخص دارایی خود را مخفی و پنهان کرده [۴۹۳-۴۹۲] یا

1. fraude

زوجه خود را بیکار جلوه داده، حال آن‌که شغل موقت داشته است [۶، ص ۵۶۱]. ثانیاً تقلب توسط طرف دعوا که رأی به نفع او صادر شده، انجام شده باشد. ثالثاً تقلب در صدور رأی دادگاه مؤثر بوده و سبب پیروزی طرف متقلب در دعوا شده باشد، به نحوی که بدون آن تقلب، دادگاه رأی دیگری صادر می‌کرد [۵، ص ۸۸۴]. رابعاً تقلب پس از صدور رأی، آشکار و نمایان شود.

تنها تفاوت در بیان دو بند مورد مقایسه، این است که قید لزوم آشکار شدن تقلب پس از صدور حکم که در بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. ایران تصریح نشده و از لزوم مؤثر بودن تقلب استنباط می‌شود، در بند ۱ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید فرانسه مورد توجه قرار گرفته و به صراحت بیان شده است.

تفاوت قابل توجه در این زمینه این است که برخلاف حقوق ایران که به موجب ماده ۴۲۹ ق.آ.د.م. لازم است حیل و تقلب به موجب حکم نهایی اثبات شود و مهلت اعاده دادرسی از تاریخ ابلاغ چنین حکمی است، در حقوق فرانسه، چنین شرطی مقرر نشده و این جهت مقید به اثبات با حکم دادگاه نگردیده و مهلت اعاده دادرسی به موجب ماده ۵۹۶ ق.آ.د.م. جدید این کشور، دو ماه از تاریخ آگاه شدن به چنین جهتی است. بار اثبات این تاریخ بر دوش متقاضی و پذیرش چنین تاریخی با قاضی است و تشخیص قاضی در این باره از نظارت دیوان کشور خارج است [۶، ص ۵۶۱].

با ملاحظه قوانین قدیم و جدید آیین دادرسی مدنی در دو کشور ایران و فرانسه مشخص می‌شود که برخلاف حقوق فرانسه که در آن، قانون جدید آ.د.م. درخصوص جهات اعاده دادرسی، نسبت به قانون سابق (مصوب ۱۸۰۶) تسهیل ایجاد کرده و از سختگیری‌ها کاسته است، در حقوق ایران، وضعیت شبیه آنچه در قانون سابق آ.د.م. فرانسه (مصوب ۱۳۱۸) بود و از قانون آ.د.م. سابق فرانسه الهام می‌گرفت، باقی مانده است و تغییر عمده‌ای در این مورد به چشم نمی‌خورد.

۲-۲. اثبات جعلی بودن سند

در حقوق کشور ما اثبات جعلی بودن سندی که مستند حکم دادگاه بوده در بند ۶ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. از جهات اعاده دادرسی اعلام شده است. براساس این بند، لازم است سند مستند حکم باشد، یعنی در حکم دادگاه به آن استناد شده باشد. ضروری است که جعلی بودن سند پس از صدور حکم اثبات شود. مطابق ماده ۴۲۹ همان قانون، لازم است جعلی بودن سند با

حکم نهایی به اثبات رسیده باشد و از تاریخ ابلاغ حکم نهایی جعلی شناخته شدن سند، ظرف مهلت مقرر، اعاده دادرسی قابل درخواست است. به نظر می‌رسد قانونگذار واژه «نهایی» را در این ماده در معنای اصطلاحی آن و در مقابل «قطعی» به کار برده است؛ زیرا همواره باید بر این اعتقاد بود که قانونگذار کلماتی را که در حقوق در معانی ویژه به کار می‌روند، در همان معنای اصطلاحی به کار می‌برد.

جهت جعلی شناخته شدن سند، در صورتی موجب نقض حکم در اعاده دادرسی می‌شود که سندی که جعلی شناخته شده، در حکم دادگاه مؤثر باشد، به نحوی که اگر چنین سندی نبود یا جعلی بودنش قبل از صدور حکم دادگاه ثابت شده بود، چنین حکمی صادر نمی‌شد.

بر این اساس، اگرچه در بند ۶ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. به لزوم اثبات جعلی بودن سند، پس از صدور حکم تصریح شده، در صورتی که جعلی بودن سند پیش از صدور حکم مورد اعاده دادرسی ثابت شده، ولی به متقاضی اعاده دادرسی ابلاغ نشده باشد، می‌توان حکم بند ۶ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. را شامل این حالت نیز دانست و اعاده دادرسی را پذیرفت؛ زیرا با توجه به عدم ابلاغ حکم جعلی بودن سند، پیش از صدور حکم مورد اعاده دادرسی، و عدم اطلاع از چنین حکمی، استناد به حکم یادشده و جلوگیری از صدور حکم به استناد سند مذکور، مقدور نبوده است. بنابراین، آنچه موجب شده اعاده دادرسی پذیرفته شود به استناد حکم جعلی بودن سند که پس از صدور حکم مورد شکایت صادر شده، اقتضا دارد اعاده دادرسی پذیرفته شود به استناد حکم جعلی بودن سند که قبل از صدور حکم مورد شکایت صادر شده؛ ولی به متقاضی اعاده دادرسی ابلاغ نشده و متقاضی اعاده دادرسی نسبت به آن بی‌اطلاع بوده است.

همین مطلب سبب شده تا برخی از حقوقدانان حکم بند ۶ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. را درخصوص لزوم اثبات جعلی بودن سند پس از صدور حکم، ناظر به موارد غالب اعلام کرده، اعاده دادرسی را در موارد اثبات جعلی بودن سند، پیش از صدور حکم مورد اعتراض جایز بدانند، البته در صورتی که حکم جعلی بودن سند پیش از صدور حکم مورد اعتراض، ابلاغ نشده باشد [۹، ج ۲، ص ۴۸۶].

در حقوق فرانسه در بند ۳ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید مبتنی بودن رسیدگی دادگاه بر اسنادی که جعلی بودن آن‌ها پس از صدور رأی شناخته شده یا به طریق قضایی اعلام شده، از جهات اعاده دادرسی اعلام شده است. در این بند، علاوه بر مواردی که جعلی بودن سند، پیش از درخواست اعاده دادرسی با رسیدگی و حکم قضایی ثابت شده، مواردی نیز که جعلی بودن سند با دلایلی مانند اقرار برای دادگاه مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی محرز شده باشد، مشمول جهات اعاده

دادرسی شناخته شده و اعاده دادرسی به استناد آن، مجاز اعلام گردیده است. شرایط این بند با بند ۶ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. کشور ما هماهنگ است؛ زیرا براساس آن، لازم است جعلی بودن سند، پس از صدور رأی محرز یا به طریق قضایی ثابت شود و در صورتی این جهت، سبب نقض رأی در اعاده دادرسی می‌شود که ثابت شود رسیدگی دادگاه مبتنی بر چنین سندی بوده است [۸، ص ۴۹۳]. به عبارت دیگر لازم است سند مجعول، در رأی دادگاه مؤثر بوده باشد [۵، ص ۸۸۴].

با وجود این، تفاوت قابل توجه این است که برخلاف حقوق کشور ما که براساس ماده ۴۲۹ ق.آ.د.م. جعلی بودن سند باید به موجب حکم نهایی اثبات شده باشد و مهلت اعاده دادرسی از تاریخ این حکم است، در حقوق فرانسه، این جهت منحصر به اثبات با حکم قضایی نشده و مواردی را نیز که بدون اثبات و اعلام قضایی قبلی، جعلی بودن سند در دادگاه رسیدگی‌کننده به اعاده دادرسی، با دلایلی مانند اقرار، محرز و ثابت می‌شود در بر می‌گیرد و به موجب ماده ۵۹۶ ق.آ.د.م. جدید این کشور، مهلت اعاده دادرسی به این جهت نیز مانند سایر جهات، دو ماه از تاریخ آگاه شدن از جعلی بودن سند است.

۲-۳. دستیابی به اسناد مکتوم

بند ۷ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. دستیابی پس از صدور حکم به اسنادی که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی است و در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است را از جهات اعاده دادرسی اعلام کرده است. عبارت این بند نسبت به بند ۷ ماده ۵۹۲ ق.آ.د.م. سابق (مصوب ۱۳۱۸) تغییراتی دارد که سبب توسعه قلمرو آن شده است. در قانون سابق، قید شده بود «آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آن‌ها بوده»؛ اما در قانون فعلی قید شده: «ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است».

این تغییر عبارت به این منظور بوده که قانونگذار خواسته صرفنظر از عامل کتمان، مکتوم بودن سند را سبب اعاده بشناسد. بنابراین، حتی در مواردی که طرف مقابل در کتمان نقش نداشته، درخواست اعاده دادرسی به خاطر کتمان سند امکانپذیر است. برخی از نویسندگان حقوقی، این تغییر را مورد توجه قرار داده و مثبت ارزیابی کرده‌اند [۱۰، ج ۱، ص ۲۱۸]. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که خصوصیتی برای کتمان طرف مقابل نمی‌توان قائل شد و چه بسا کتمان توسط شخص ثالث نیز با تبانی طرف مقابل باشد، تحول ایجاد شده در بند ۷

ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. منطقی و قابل تأیید است.

البته روشن و بدیهی است که نباید کتمان توسط خود متقاضی بوده باشد و به استناد اسنادی که خود متقاضی آن‌ها را در جریان دادرسی مکتوم و از ارائه و استناد به آن‌ها خودداری کرده، نمی‌توان درخواست اعاده دادرسی کرد. شاید با هدف تذکر و خارج کردن این حالت بوده که در بند ۷ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. به دنبال قید مکتوم بودن سند، قید در اختیار متقاضی نبودن اضافه شده است.

دو حالت برای مکتوم بودن سند قابل تصور است: (۱) کسی که سند به نفع او است اصلاً از وجود آن بی‌اطلاع است؛ (۲) با وجود اطلاع ذینفع از چنین سندی، سند مزبور در اختیار او نیست، بلکه در اختیار کسی است که از ارائه آن خودداری می‌کند. به نظر می‌رسد ماده ۴۳۰ ق.آ.د.م. که تاریخ وصول یا اطلاع از سند را مبدأ مهلت اعاده دادرسی قرار داده، به دو حالت یادشده توجه داشته و به قرینه این ماده می‌توان گفت که قانونگذار هر دو حالت کتمان را سبب اعاده دادرسی شناخته است.

دستیابی به سند مکتوم در صورتی موجب نقض حکم در اعاده دادرسی می‌شود که دلیل حقانیت متقاضی اعاده دادرسی باشد؛ به نحوی که اگر چنین سندی مکتوم نبود، حکم به نفع طرف مقابل صادر نمی‌شد، بلکه حکم به نفع متقاضی اعاده دادرسی صادر می‌شد. بنابراین، دلیل بودن سند مکتوم باید به گونه‌ای باشد که در صورت وجود ادله به نفع طرف مقابل، در تعارض با آن ادله، غلبه کند.

در حقوق فرانسه، در بند ۲ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید دستیابی پس از صدور رأی به اسناد تعیین‌کننده مکتومی که توسط طرف مقابل کتمان شده از جهات اعاده دادرسی اعلام گردیده است. این بند از این جهت که کتمان را مقید به طرف مقابل کرده، با بند ۷ ماده ۵۹۲ ق.آ.د.م. سابق (مصوب ۱۳۱۸) ایران هماهنگ است و این تفاوت مهم را در مقایسه با بند ۷ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. کنونی کشور ما دارد که برخلاف حقوق ایران که لازم نیست کتمان سند توسط طرف مقابل باشد، در حقوق فرانسه در صورتی کتمان سند از موجبات اعاده دادرسی است که توسط طرف مقابل انجام شده باشد. در نتیجه، دستیابی به سندی که در دادرسی مکتوم بوده، اما طرف مقابل عامل کتمان آن نبوده، سبب اعاده دادرسی نمی‌شود. در برخی از منابع آیین دادرسی مدنی فرانسه بر تعمدی بودن کتمان توسط طرف مقابل که حکم به نفع او صادر شده و عدم تقصیر متقاضی اعاده دادرسی تأکید شده است [۵، ص ۸۸۴].

اگرچه در حقوق هر دو کشور، به دست آمدن سندی که مکتوم بوده از جهات اعاده

دادرسی شناخته شده، اما مسلم است که چنین سندی نباید سندی باشد که پیش از آن بی‌اعتباری‌اش ثابت و اعلام شده باشد. همچنین در صورتی که سند به دست آمده، در مرحله اعاده دادرسی مورد تعرض طرف مقابل واقع شود، دادگاه اصالت سند را بررسی خواهد کرد. از قید لزوم مؤثر و تعیین‌کننده بودن سند که در حقوق هر دو کشور مورد توجه و تأکید واقع شده نیز می‌توان این مطلب را دریافت؛ زیرا سندی که بی‌اعتباری آن قبلاً ثابت شده یا اعتبار آن محرز نباشد، تعیین‌کننده و مؤثر محسوب نمی‌شود.

۳. جهات اختصاصی

در مقابل جهاتی که پیش از این بحث شد و مشترک بین حقوق ایران و حقوق فرانسه بود، جهاتی وجود دارند که فقط در حقوق یکی از این دو کشور سبب اعاده دادرسی می‌شوند. در حقوق ایران تعداد قابل توجهی از جهات اعاده دادرسی معرفی شده‌اند که در حقوق فرانسه مورد توجه قرار نگرفته و از جهات اعاده دادرسی شناخته نشده‌اند. در مقابل، یک جهت در حقوق فرانسه وجود دارد که وضعیت آن در حقوق ایران محل بحث است.

۳-۱. جهات اختصاصی در حقوق ایران

در حقوق ایران به موجب بندهای ۱ تا ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. صدور حکم در غیر از مورد ادعای خواهان یا به بیش‌تر از خواسته و وجود تضاد در مفاد حکم و صدور حکم متضاد با حکمی که درخصوص همان دعوا و اصحاب آن توسط همان دادگاه صادر شده، از جهات اعاده دادرسی معرفی شده‌اند. همچنین به موجب ماده ۲۲۷ ق.آ.د.م. اثبات اصالت سند به موجب حکم قطعی کیفری از موجبات اعاده دادرسی در دادگاه حقوقی اعلام شده است. به موجب قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۵) نیز نوع خاصی از اعاده دادرسی مقرر و معرفی شده که جهت آن مخالفت بین رأی با شرع است.

مورد ادعا در بند ۱ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. شامل خواسته و درخواست‌های خواهان که به موجب بندهای ۳ و ۵ ماده ۵۱ آن قانون در دادخواست قید شده [۹، ص ۴۷۳] و آنچه خواهان در دعوی اضافی یا به موجب ماده ۹۸ همان قانون اضافه کرده، می‌شود [۱۰، ص ۲۰۰]. مبنای این بند نیز ماده ۲ ق.آ.د.م. است [۱۱، ص ۱۱۴؛ ۱۲، ص ۱۸۱؛ ۱۳، ص ۲۴۷]. درخصوص منظور از «تضاد در مفاد حکم» در بند ۳ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. نظرهای متعدد و

مختلفی ارائه شده است [ر.ک. ۱۴، ص ۵۲۷؛ ۱۵، ص ۴۷۶؛ ۱۵، ص ۲۱۳؛ ۱۲، ص ۱۸۱؛ ۳، ص ۴؛ ۱۶، ص ۳۳۶]. به نظر می‌رسد تضاد در مفاد حکم در این بند شامل حالت‌های تعارض در مفاد، تعارض در اسباب مواجهه، و تعارض اسباب مواجهه با مفاد حکم باشد.

در مورد بند ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. یک نکته این است که همان‌طور که برخی از نویسندگان گفته‌اند [۹، ص ۴۷۸؛ ۱۰، ص ۲۰۵؛ ۳، ص ۶؛ ۱۳، ص ۲۴۹] چون در این بند، واژه «حکم» به کار رفته، آنچه موضوع این بند است تعارض دو حکم است و شامل تعارض حکم با رأی نمی‌شود.

نکته دیگر این که قید «همان دادگاه» در این بند را برخی ناظر به همان شعبه دانسته‌اند و صدور حکم دوم از شعبه صادرکننده حکم اول را شرط اعاده دادرسی به استناد بند یادشده شمرده‌اند [۳، ص ۶]. برخی دیگر قید «همان دادگاه» را به حوزه قضایی تفسیر کرده‌اند که شامل شعب یک حوزه می‌شود [۹، ج ۲، ص ۴۸۰؛ ۱۰، ص ۲۰۵]. به نظر می‌رسد با توجه به این که شعب یک دادگاه در یک حوزه قضایی از جهت صلاحیت ذاتی و محلی، وضعیت یکسان دارند و یک دادگاه محسوب می‌شوند، اصطلاح «دادگاه» در بند ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. شامل شعب یک دادگاه در حوزه قضایی می‌شود؛ ولی مسلم است که احکام متضاد که از دادگاه‌های متعدد صادر شده باشند، مشمول بند یادشده نیستند و از موارد اعاده دادرسی محسوب نمی‌شوند. همچنین با آمدن قید «همان دعوا» در این بند، صدور احکام متعارض در دعاوی مرتبط را نمی‌توان از موارد اعاده دادرسی شناخت.

علیرغم نیامدن قید «قائم‌مقام» در بند ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. (بند ۴ ماده ۵۹۲ ق.آ.د.م. سابق) مسلم است و نویسندگان بر آن اتفاق دارند که صدور حکم دوم به طرفیت قائم‌مقام اصحاب دعوی قبلی نیز مشمول حکم بند یادشده است و از جهات اعاده دادرسی است [۴، ص ۱۶۵؛ ۹، ص ۴۸۰؛ ۱۴، ص ۵۷۴؛ ۳، ص ۵؛ ۱۳، ص ۲۴۹].

جهات ذکر شده در بندهای ۱ تا ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. ایران در قانون آ.د.م. جدید فرانسه از موارد اعاده دادرسی شناخته نشده‌اند. لازم به ذکر است همین موارد در بندهای ۳، ۴، ۶ و ۷ ماده ۴۸۰ ق.آ.د.م. سابق فرانسه (مصوب ۱۸۰۶) به‌عنوان جهات اعاده دادرسی معرفی شده بودند، ولی در قانون جدید در جهت محدود کردن موارد اعاده دادرسی، این موارد حذف شدند. با وجود این، برخی از این موارد، تحت عناوین دیگری مورد توجه قرار گرفته و مؤثر شناخته شده‌اند. از جمله به موجب ماده ۴۲۴ ق.آ.د.م. جدید فرانسه، صدور حکم در غیر از خواسته یا به بیش از آن از موارد تصحیح حکم شناخته شده و به موجب مواد ۶۱۷ و ۶۱۸

همان قانون، صدور آرای متعارض از جهات نقض رأی در دیوان کشور معرفی شده است. تحولی که در حقوق فرانسه درخصوص جهات اعاده دادرسی اتفاق افتاده در حقوق کشور ما محقق نشده، بلکه همان جهات مقرر در قانون آ.د.م. سابق (مصوب ۱۳۱۸) که با الهام از قانون آ.د.م. سابق فرانسه بوده، در قانون آ.د.م. جدید (مصوب ۱۳۷۹) تکرار شده است. ابتکار قانونگذار فرانسه، جالب و قابل توجه به نظر می‌رسد؛ زیرا از طرفی، از موارد اعاده دادرسی کاسته و این امر با علت وضع و موقعیت اعاده دادرسی به‌عنوان یکی از طرق فوق‌العاده شکایت از آرا که مبتنی بر تصحیح اشتباهات قضایی است که در اثر اقدامات ناصحیح اصحاب دعوا اتفاق افتاده، سازگار است و از طرف دیگر، مواردی از قبیل صدور حکم در غیر از موضوع دعوا یا به بیش‌تر از آن را که حاوی اشتباه فاحش دادگاه است در حکم اشتباهات سهو قلمی و موجب تصحیح حکم معرفی کرده است.

۲-۳. جهت اختصاصی در حقوق فرانسه

به موجب بند ۴ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید فرانسه، مبتنی بودن دادرسی بر شهادتنامه^۱، شهادت^۲ یا سوگند^۳ که پس از صدور رأی، خلاف واقع بودن آن با اثبات قضایی اعلام شده، از جهات اعاده دادرسی است.

نویسندگان در بیان تفاوت دو واژه «attestation» و «témoignage» در ماده یادشده، نوشته بودن شهادت در واژه نخست را متذکر شده‌اند [۶، ص ۵۶۱].

نکته‌های قابل توجه در مورد این جهت این است که اولاً لازم است دادرسی مبتنی بر شهادت یا سوگند بوده و به عبارت دیگر، شهادت یا سوگند مؤثر در رسیدگی بوده و رأی براساس آن صادر شده باشد. ثانیاً خلاف واقع بودن شهادت یا سوگند به اثبات رسیده باشد. ثالثاً اثبات خلاف واقع بودن شهادت یا سوگند، پس از صدور رأی مورد درخواست اعاده دادرسی باشد.

در حقوق کشور ما، این جهت به‌صراحت در ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. اعلام نشده است. با وجود این، برخی از حقوقدانان شهادت دروغ را در صورت تبانی با یکی از اصحاب دعوا [۴، ص ۱۱۶؛ ۹، ص ۴۸۱-۴۸۲] و برخی آن را به طور مطلق [۱۰، ص ۲۱۰] از مصادیق حیل و تقلب دانسته‌اند.

1. attestation
2. témoignage
3. serment

در مورد سوگند دروغ، با وجود تصریح در برخی از منابع بر عدم شمول عنوان حيله و تقلب بر آن [۴، ج ۲، ص ۱۶۵]، در برخی دیگر، عنوان مذکور مشمول حيله و تقلب شناخته شده است [۹، ص ۴۸۱؛ ۳، ص ۶].

به نظر می‌رسد عنوان حيله و تقلب در بند ۵ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. کشور ما بر مواردی که یکی از اصحاب دعوا با تبانی با شاهد، به شهادت دروغ متوسل می‌شود، صدق می‌کند؛ اما شمول حيله و تقلب بر سوگند دروغ قابل تردید است.

وانگهی قبول اعاده دادرسی به استناد دروغ بودن سوگند، به‌عنوان یکی از مصادیق حيله و تقلب، با ماده ۱۳۳۱ ق.م. که سوگند را قاطع دعوا اعلام کرده و هرگونه ادعای خلاف آن را غیرقابل قبول اعلام کرده، سازگار نیست.

بند ۳ ماده ۳۶۹ ق.آ.د.م. نیز که حکم مستند به سوگند قاطع دعوا را غیرقابل فرجام اعلام کرده، مؤید این مطلب است.

جایگاه و ماهیت سوگند در حقوق ما، به‌عنوان وسیله‌ای مقدس و مبتنی بر وجدان انسان‌ها که در موارد عدم اثبات ادعای خواهان با سایر ادله، قابل تمسک است و به گونه‌ای است که امکان دارد به دروغ مورد استناد قرار گیرد و به جا آورده شود، تأییدکننده این است که نمی‌توان سوگند دروغ را از مصادیق حيله و تقلب شناخت و اعاده دادرسی به استناد آن را پذیرفت.

در حقوق فرانسه هم با وجود اعلام تقلب به‌عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی در بند ۱ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید آن کشور، شهادت و سوگند خلاف واقع به طور مستقل در بند ۴ آن ماده به‌عنوان یکی دیگر از جهات اعاده دادرسی بیان شده است.

به عبارت دیگر در حقوق فرانسه نیز عنوان تقلب، شامل شهادت و سوگند خلاف واقع شناخته نشده و در غیر این صورت با وجود بند ۱ ماده ۵۹۵ ق.آ.د.م. جدید کشور یادشده، نیازی به بند ۴ ماده مذکور نبود و این بند زاید تلقی می‌شد.

۴. نتیجه و پیشنهاد

از آنچه در این مقاله گفته شد، مشخص گردید که درخصوص جهات اعاده دادرسی، حقوق ایران با حقوق فرانسه، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجه دارد.

شباهت آن دو در این است که تقلب و جعلی شناخته شدن سند مبنای حکم و دستیابی به اسناد مکتوم در هر دو حقوق و با شرایط تقریباً یکسان به‌عنوان جهات اعاده دادرسی معرفی

شده‌اند.

تفاوت آن‌ها در این است که در حقوق ایران، صدور حکم در غیر از موضوع دعوا یا به بیش‌تر از آن، تضاد در مفاد حکم، صدور احکام متعارض، اثبات اصالت سند و مخالفت بین با شرع از جهات اعاده دادرسی اعلام شده‌اند؛ اما در حقوق فرانسه، اگرچه در قانون آ.د.م. قدیم (مصوب ۱۸۰۶) صدور حکم در غیر از موضوع دعوا یا به بیش‌تر از آن، تضاد در مفاد حکم و صدور احکام متعارض از جهات و موارد اعاده دادرسی معرفی شده بودند، در قانون آ.د.م. جدید، این موارد از جهات اعاده دادرسی به حساب نیامده و برخی از آن‌ها در مواد دیگر (۴۶۴، ۶۱۷ و ۶۱۸) و تحت عناوین دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در مقابل در حقوق فرانسه، شهادت و سوگند خلاف واقع موجب اعاده دادرسی شناخته شده‌اند، اما در حقوق ایران این موارد به‌صراحت از جهات اعاده دادرسی اعلام نشده‌اند. به نظر می‌رسد ابتکار قانونگذار فرانسه در کاهش جهات اعاده دادرسی و حذف برخی موارد که قبلاً به‌عنوان جهات اعاده دادرسی معرفی شده بودند و مورد توجه و مؤثر قراردادن آن‌ها تحت عناوین دیگر، مانند تصحیح احکام یا فرجامخواهی، ابتکاری جالب و منطقی است و در اصلاحات قانون آ.د.م. در کشور ما می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۵. منابع

- [۱] واحدی، جواد، «اعاده دادرسی در امور مدنی»، تحولات حقوق خصوصی (زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- [۲] واحدی، قدرت‌الله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- [۳] قلی‌زاده، احد، *آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۳)*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
- [۴] متین‌دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۲، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۸.
- [5] Guinchard, Serge, Chainais, Cécile et Ferrand, Frédérique, *Procédure Civile*, Paris, Dalloz, 30e ed., 2010.
- [6] Guinchard, Serge, Ferrand, Frédérique et Chainais, Cécile, *Procédure Civile*, Paris, Hypercours Dalloz, 2009.

- [7] Couchez, Gérard et Lagarde, Xavier, *Procédure Civile*, Paris, Sirey Université, 16e ed., 2011.
- [8] Lefort, Christopher, *Procédure Civile*, Paris, Cours Dalloz, 3e ed., 2009.
- [۹] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، ج ۲، چ ۸، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۴.
- [۱۰] قهرمانی، نصرالله، *مباحث دشوار آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۶.
- [۱۱] کشاورز صدر، سیدمحمدعلی، *تجدید رسیدگی؛ طرق فوق‌العاده رسیدگی مدنی*، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۱.
- [۱۲] کریمی، عباس، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶.
- [۱۳] مردانی، نادر و دیگران، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۲.
- [۱۴] مدنی، سیدجلال‌الدین، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۲، چ ۴، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۵.
- [۱۵] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)*، ج ۲، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
- [۱۶] احمدی، نعمت، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، انتشارات اطلس، ۱۳۷۵.
- [17] *Nouveau Code de Procédure Civile*, Dalloz, 95e ed., 2003.